گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۴۵۳۷۰۲
پنج شنبه ۸ مهر ۱۴۰۰ ۹:۳۳

ادعاهایی که می گوید نباید به روسیه و چین اعتماد کرد!

پس از عضویت قطعی ایران در پیمان شانگهای این رویداد مهم در سیاست خارجی ایران مانند بسیاری دیگر از مسائل مهم در حوزه سیاست داخلی و خارجی ایران به یک دعوای سیاسی میان جناح‌های سیاسی تبدیل شد.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، از یک طرف حامیان دولت آن را در ابتدای کار دولت سیزدهم یک پیروزی مهم دیپلماتیک به شمار آورده و این پیروزی را به پای دولت فعلی گذاشتند، اما از سوی دیگر جناح مقابل اولا اعتقاد دارد که اگر عضویت قطعی ایران در پیمان شانگهای موفقیتی باشد، این پیروزی نباید صرفا به حساب دولت فعلی گذاشته شود، بلکه اقدام این دولت مکمل اقدامات دولت‌های قبل بوده است. علاوه بر این بسیاری از منتقدان دولت و روشنفکران انتقادهایی در قبال این اقدام که نمادی از سیاست شرق‌گرایی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود، مطرح کردند.

از نگاه این افراد رویکرد جدید سیاست خارجی ایران مبنی‌بر اعتماد بیش‌ازحد به روسیه و چین به‌ویژه امضای توافق‌نامه راهبردی با چین و سپس عضویت ایران در پیمان شانگهای به‌معنای فاصله‌گیری از اصل محوری سیاست خارجی ایران یعنی شعار نه شرقی نه غربی است، مضافا اینکه ذهنیت تاریخی ایرانیان از رفتار این دو کشور در قبال ایران همراه با واقعیت‌های حاکم بر سیاست بین‌الملل در جهان امروز در تضاد با این رویکرد در سیاست خارجی ایران یعنی اتکا به یک بلوک و قراردادن تمام تخم‌مرغ‌های خود در سبد یک اردوگاه است.

درباره ریشه‌های بی‌اعتمادی برخی از ایرانیان به شرق به‌ویژه روسیه و چین به‌نظر می‌رسد علت آن را باید در ذهنیت تاریخی ایرانیان براساس عملکرد دو کشور در قبال ایران به‌ویژه کشور روسیه در سال های قبل و پس از پیروزی انقلاب جست‌وجو کرد.

درباره روسیه ریشه بی‌اعتمادی ایرانیان به این کشور ارتباط نزدیک با سیاست خارجی این کشور در قبال ایران از قرن نوزده تا به امروز دارد. منتقدان سیاست نزدیکی جمهوری اسلامی ایران به روسیه محور اصلی انتقاد خود را بر این مبنا قرارداده‌اند که مشکل اساسی در روابط دو کشور در یک نکته است و آن اینکه روسیه به ایران نگاه ابزاری دارد و از کارت ایران برای سیاست خارجی خود درقبال غرب استفاده می‌کند حال آنکه ما به روسیه نگاه استراتژیک داشته و همین اختلاف سبب شده است که روسیه در بزنگاه‌های تاریخی از ما آنچنان‌که باید و شاید حمایت نکند.

بنابراین از نگاه منتقدان ما هم باید بر همان اساس عمل کنیم. برخی از مواردی را که منتقدان برای اثبات ادعای خود می‌آورند به شرح ذیل است:

۱- حمایت کامل شوروی از عراق در جنگ با ایران

۲- عملکرد روسیه پس از فروپاشی شوروی درخصوص تعیین وضعیت حقوقی دریای خزر و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز آن

۳- تأخیر روسیه در تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر و تحویل سامانه‌های موشکی اس-۳۰۰ به ایران

۴- موضع روسیه در قبال پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت. به‌عبارت‌دیگر چرا چین و روسیه درخصوص سوریه دو بار از حق وتوی خود در شورای امنیت استفاده کردند، اما درخصوص پرونده ایران حاضر به استفاده از این کارت خود نشدند

۵- موضع روسیه در قبال حملات اسرائیل به نیروهای مستشاری ایران در سوریه با وجود قرارداشتن دو کشور ایران و روسیه در اردوگاه ضد داعش

۶- موضع اولیانوف، نماینده روسیه در مذاکرات وین، مبنی‌بر آغاز مذاکرات از نقطه‌ای که قطع شده است، حال آنکه این موضع می‌تواند در تضاد با دیدگاه‌های دولت جدید جمهوری اسلامی ایران باشد. سابقه چنین عملکردی از روسیه در قبال ایران همراه با اقدامات حزب توده در طول تاریخ ایران سبب شکل‌گیری نوعی بی‌اعتمادی در میان برخی از ایرانیان نسبت‌به این کشور شده است...

علاوه‌بر عملکرد روسیه، از نگاه منتقدان روسیه از نظر تکنولوژیک و صنعتی نیز در سطحی نیست که بتواند تقاضاهای ایران را تأمین کند و این کشور خود در این حوزه به غرب وابسته است، مضافا اینکه همکاری روسیه با ایران در برخی مناطق مانند قفقاز و آسیای مرکزی، سوریه و افغانستان نیز مقطعی بوده و در تحلیل نهایی روسیه جمهوری اسلامی ایران را رقیب خود در همه این حوزه‌ها می‌بینند.

اما درخصوص چین نیز برخی عوامل سبب نگاه منفی به این کشور شده است:

۱- اژدهای زرد صرفا به‌دنبال تأمین منافع اقتصادی خود و سلطه بر بازارهای منطقه است

۲- این کشور در انجام پروژه‌های خود بدون مدنظر قراردادن مسائل زیست‌محیطی صرفا به‌دنبال تأمین منافع خود است که نمونه آن خشکاندن هورالعظیم برای استفاده از حوزه‌های نفتی یا نحوه صیادی در بنادر جنوبی ایران بوده است

۳- چین نیز نه از حق وتوی خود در شورای امنیت برای ممانعت از تحریم ایران استفاده کرد و نه حاضر به نقض کامل تحریم‌های آمریکا علیه ایران و خرید نفت از ایران شد

و بالاخره از نگاه منتقدان سیاست شرق‌گرایانه تفاوت بارزی از نظر رشد و توسعه اقتصادی میان کشورهایی که متحد روسیه و چین بودند با کشورهایی که سعی در تعامل با غرب داشته‌اند وجود دارد که مصداق بارز آن تفاوت میان کره شمالی با کره جنوبی و دیگر کشورهای جنوب شرق آسیاست؛ اما با وجود درستی ادعای هر دو گروه یعنی هم هواداران سیاست شرق‌گرایی و هم منتقدان آن بیان یک نکته ضرورت دارد و آن اینکه نگاه صفر و صد به یک موضوع در سیاست خارجی اشتباه است. هدف اصلی در سیاست خارجی تأمین منافع ملی با بهره‌گیری از فرصت‌هایی است که چون ابر می‌گذرد و کشوری موفق است که از کوچک‌ترین فرصت بیشترین استفاده را ببرد.

اما درعین‌حال باید چند نکته را هر دو طیف طرف‌دار و منتقد سیاست نزدیکی به شرق مدنظر قرار دهند:

۱- سیاست نه شرقی نه غربی ایران مربوط به دوران جنگ سرد بوده است

۲- ویژگی مهم نظام بین‌الملل در دوران پساجنگ سرد چندجانبه‌گرایی همراه با شکل‌گیری ژئوپلیتیک‌های اقتصادی است و ایران نیز از این مهم استثنا نیست؛ بنابراین عضویت ایران در شانگهای باید مانند عضویت در سازمان اکو وگروه دی هشت تلقی شود

۳- موضوع سیاست خارجی منافع ملی است و نباید به مسائل این حوزه نگاه جناحی و سیاسی داشت

۴- کارگزاران سیاست خارجی ایران در دولت سیزدهم با توجه به تجربیات گذشته نباید در عالم سیاست بین‌الملل به هیچ کشور یا اردوگاهی اطمینان

کامل داشته باشند و تمام تخم‌مرغ‌های خود را در یک سبد بگذارند، بلکه برای تأمین منافع ملی، واقعیات را مدنظر قرار دهند و از کوچک‌ترین فرصت بیشترین استفاده را ببرند.